

بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال

کوروش غلامی^۱

سید مهدی نظیری خانقاه سادات^۲

تاریخ پذیرش: 93/02/18

تاریخ تصویب: 93/05/02

چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه احساس آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال در سال ۱۳۹۲ می‌پردازد. چهارچوب نظری و مدل تحلیلی براساس نظریه‌های آنومی اجتماعی دورکیم، نظریه فرصت کلوارد و اولین، منطقه انتقالی پارک و بر حبس، قشربندی اجتماعی ویلهم بنگر، هنجارهای فرهنگی و هنجارهای اجتماعی آستین ترک، نظریه مارکسیست - ساختاری ادغامی کالوین و پاولی ساخته شده است. روش پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری شامل ۲۱۰ نفر زندانیانی است که به یکی از دلایل انحراف اجتماعی در زندان شهرستان خلخال به سر می‌برند که از این تعداد ۱۳۶ نفر به‌عنوان حجم نمونه براساس فرمول کوکران و از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده است، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین احساس آنومی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد و میانگین احساس آنومی اجتماعی در جمعیت مورد بررسی در حد متوسط به بالاست. همچنین بین قشربندی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌ها حاکی است که اولاً جرم در همه قشرهای اجتماعی دیده می‌شود، ثانیاً کسانی که بیشتر به قشرهای بالای جامعه تعلق دارند، بیشتر جرایمی از نوع سازمان‌یافته و یقه‌سفیدی مرتکب شده‌اند.

واژگان کلیدی: احساس آنومی اجتماعی، قشربندی اجتماعی، طبقه، پایگاه، جرم، ارتکاب نوع

جرم.

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گلستان، korosh_gholamiko@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال

مقدمه و بیان مسأله

جامعه سالم و ایمن، جامعه‌ای است که افراد در آن احساس امنیت داشته باشند. از این‌رو، منظور از امنیت؛ آرامش، فقدان ترس و نگرانی نداشتن درخصوص ایجاد خطر از سوی دیگران است. به عبارت دیگر امنیت به مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیر مترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، نیز تعبیر شده است (صدیق سروستانی، ۱۳۷۶: ۱۱۵). به همین ترتیب یکی از عواملی که باعث فرسایش احساس امنیت اجتماعی و آسیب‌زایی برای جامعه ایمن می‌شود، وجود جرم و زمینه‌های شکل‌گیری آن است. جرم را می‌توانیم هر فعل یا ترک فعلی بدانیم که مطابق قانونی که در جهت حمایت از عموم مردم وضع شده و براساس یک فرایند قضایی معین قابل مجازات است. هرچند اغلب نظام‌های حقوقی، جرم خصوصی و عمومی را از هم جدا می‌کنند، اما وقتی دستگاه حکومت و نهاد قضایی برای مهار و مجازات مجرم، پا پیش می‌گذارد، بدین معناست که جرم خطایی عمومی است. به سخن دیگر، ارتکاب عمل مجرمانه، تجاوز به نظم عمومی تلقی می‌شود و نه صرفاً زیرپا گذاشتن نظم اخلاقی یا حقوق اشخاص. از این‌رو در همه جوامع متمدن و نظام‌های حقوقی امروزی برای اینکه وقوع جرمی ثابت شود، صرف نیست کافی دانسته نمی‌شود، بلکه فعل یا ترک فعلی (عمل واقعی) و وجود انگیزه مجرمانه برای آن و خدشه‌دار شدن وجدان و نظم عمومی بر اثر آن ضروری تلقی می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۵۵). از نظر جامعه‌شناسی، جرم یک نوع رفتار غیر عادی تلقی می‌شود؛ یعنی رفتار فرد با نرم‌های پذیرفته شده اجتماعی تضاد پیدا می‌کند (مساواتی آذر، ۱۳۸۳: ۸).

جامعه ما به موازات توسعه و گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، دگرگونی‌های فرهنگی، تغییرات در سبک زندگی افزایش نیازها و محدود بودن راه‌های مشروع دستیابی به آن‌ها، شکاف و طبقاتی، از بین رفتن اقتدار ارزش‌های سنتی، فراگیر شدن ارزش‌های مادی جامعه، فردگرایی، سرعت گرفتن تحولات و تطابق نداشتن با آن به وسیله اکثریت افراد جامعه، ضعف کنترل‌های درونی و بیرونی، مهاجرت روستایی به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و ظهور پدیده حاشیه‌نشینی، بیکاری فزاینده جمعیت جوان کشور، تورم، گرانی و... با انواع آسیب‌های اجتماعی روبروست و نمودهای محسوس از اعتیاد به مواد مخدر، روسپیگری، فساد اداری، بیکاری، فقر و انواع جرایم دیگر و... در همه جا مطرح است و شواهدی از آن‌ها در رسانه‌ها انعکاس می‌یابد و گروه‌هایی از جمعیت به ویژه جوانان به برخی از مسائل خاص در درجات شدیدی از آسیب‌پذیری قرار دارند.

در این خصوص، نگاهی به آمار مربوط به جرایم کشورمان حاکی از روند روبه رشد جرایم به‌خصوص در بین جوانان است. آمارهای مرکز آمار ایران در مورد دستگیرشدگان جرایم نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۳، ۴۳۰۵۸ نفر به علت جرایم مختلف (شامل قتل عمد و غیر عمد، مرگ‌های اتفاقی، ضرب و جرح و صدمه، تهدید، اجبار و اکراه، تظاهر به چاقوکشی و مسموم کردن عمدی و...) دستگیر شده‌اند. همچنین در سال ۱۳۸۳، ۹۵۴۳۹ مورد سرقت (شامل سرقت از اماکن دولتی، منازل، مغازه‌ها، مراکز

بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال

صنعتی و تجاری و سایر اماکن، سرقت انواع وسایل نقلیه و لوازم آن، سرقت احشام و سایر سرقت‌ها) رخ داده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲/۴/۸) براساس آمارهای کشور سالانه حدود ۲ تا دو هزار و چهارصد قتل در کشور رخ می‌دهد که بیشتر به خاطر نزاع و اختلاف است که ۳۱ درصد قتل‌ها در سال گذشته، قتل‌های خانوادگی بوده است و بین قاتل و مقتول رابطه فامیلی وجود داشته است. در سال گذشته براساس پرونده‌های تشکیل شده در پلیس، پرونده‌های تعرض جنسی و تجاوز ۱/۲ درصد افزایش یافته است. (Aeademy.Blogfa.htm). این درحالی است که آمار میزان تبهکاری که توسط مراجع رسمی ارائه می‌شود، بیانگر تعداد واقعی جرایم ارتكابی جامعه نیست. آمارهای مذکور، بیانگر این نکته مهم و اساسی است که در کشور ما هنجارشکنی و پایبند نبودن به قانون طی دو دهه اخیر به سرعت روبه گسترش بوده است. شهرستان خلخال نیز در سال‌های اخیر شاهد افزایش جرایم به صورت سرقت، اعتیاد به مواد مخدر، ضرب و جرح و زد و خورد‌های خیابانی، و... بوده است و آمارها از افزایش پرونده‌های قضایی و افزایش افراد زندانی حکایت دارد.

به نظر می‌رسد انحرافات اجتماعی در مقطع کنونی جامعه ایران، امری ساختاری و ناشی از نابسامانی‌های اجتماعی است و در چنین شرایطی است که زمینه را برای ارتکاب جرایم تشدید می‌کند. یکی از مفاهیم عمده در ارتباط زمینه بروز جرم و کجروی، آنومی و شرایط آنومیک جامعه است. جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر، شرایط آنومیک یا بی‌هنجاری را شرایط بالقوه برای وقوع جرم می‌دانند. دورکیوم و جامعه‌شناسان پس از او، نوسازی و گذر از سنت به مدرنیته را یکی از عوامل به هم ریختگی نظم هنجاری جوامع می‌دانند که احتمال آنومی را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی است که نظم هنجاری کهن از بین رفته و هنجارهای جدید رفتارهای جایگزین نشده است. در نتیجه افراد در رفتارهای خود، دچار سردرگمی می‌شوند. در حالت کلی، آنومی نتیجه تضعیف یا تناقض هنجارهای اجتماعی است. در نتیجه هر فرد احساس می‌کند که در موقعیت‌های مشخص، دچار تضاد فکری و دشواری تصمیم‌گیری در مورد کنش اجتماعی خود است. در نتیجه بی‌ضابطگی نسبی در کل جامعه یا در برخی از گروه‌های ترکیب‌کننده آن پدید می‌آید. در این موقعیت، آرزوهای فردی با هنجارهای مشترک تنظیم نمی‌شوند و در نتیجه افراد بدون راهنمایی اخلاقی می‌مانند و هر کسی تنها هدف‌های شخصی‌اش را دنبال می‌کند. در این وضعیت مدل‌های تفسیر فرهنگی کارکرد خود را از کف می‌دهند، انسجام اجتماعی درون یک جامعه تضعیف می‌شود، هنجارهای رفتاری معتبر جامعه و نیز اشخاص نامنسجم می‌شوند و کنش معطوف به هدف هرچه بیشتر برای فرد و جمع ناممکن می‌شود (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۲).

یکی دیگر از شرایطی که بر احتمال ارتکاب جرم افراد تأثیر می‌گذارد، شرایط ناشی از ساختار اجتماعی است که افراد را در طبقات مختلفی قرار می‌دهد و این موقعیت‌ها شانس‌ها یا فرصت‌های حیاتی زندگی را به‌طور نامناسب بین طبقات مختلف اجتماعی تقسیم می‌کند. در این شرایط فشار مضاعفی به افراد با توجه به شکاف طبقاتی و افزایش روزافزون نیازها تحمیل می‌شود. به عبارتی جرم، پیوندی

ناگسستگی با طبقه و قشربندی اجتماعی دارد. به همین دلیل جرم‌های ارتكابی افراد قدرتمند و صاحب نفوذ، توجه کمتری را نسبت به جرم‌های افراد جامعه به خود جلب می‌کند. از این‌رو مطالعه جرم جز از رهگذر شناسایی طبقات قشرهای اجتماعی و منافع آنان به ویژه منافع اقتصادی، امکان‌پذیر نیست (فرجیها و صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۱۵).

پژوهش حاضر به بررسی رابطه آنومی و گروه‌های اجتماعی با ارتكاب نوع جرم در شهرستان خلخال می‌پردازد. لذا پرسش اصلی تحقیق این است که آیا بین احساس آنومی و قشربندی اجتماعی با ارتكاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد؟ به عبارتی دیگر آیا احساس آنومی و ساختار قشربندی اجتماعی می‌تواند به‌عنوان عواملی تأثیرگذار برای ارتكاب جرایم باشد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

علل و عواملی که منجر به افزایش جرایم و انحرافات شده است، نیاز به تبیین علمی دارد. از طرفی انحرافات مسأله‌ای است که علل آن هم در سطح خرد و هم در سطح کلان می‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین بررسی علمی می‌تواند مهمترین عوامل را مشخص کند، همچنین میزان انحرافات را نیز به طور دقیق معلوم کند. چراکه آمارهای موجود همگی تنها دستگیرشدگانی را محاسبه کرده‌اند که شاید جرایم سنگین‌تری را مرتکب شده‌اند. اما به این نکته توجه نشده است که پتانسیل ارتكاب جرایم سنگین را باید در میان کسانی جستجو کرد که هنوز دستگیر نشده‌اند، ولی با دست زدن به اعمال انحرافی امکان پیشرفت آنان در زمینه انحرافات و جرایم فراهم است. در واقع اگر به این امور در سنین جوانی پرداخته شود، خطر آن بیشتر خواهد بود، چراکه فرصت بیشتری برای ارتكاب جرایم در آینده وجود خواهد داشت. پس باید به لحاظ علمی، عوامل اجتماعی و اقتصادی که با وقوع جرم در ارتباط‌اند، شناخت تا بتوان به درمان و پیشگیری از وقوع جرایم پرداخت. درمانی که موقت نبوده و برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده‌ای برای آن شده است. اگر درمان قطعی این بیماری صورت نگیرد، بیماری پیشرفت کرده و باعث متلاشی شدن خانواده و سپس متلاشی شدن جامعه خواهد بود. این مسأله از لحاظ وقت، هزینه و نیرویی که دولت‌ها صرف حل آن می‌کنند نیز اهمیت زیادی دارد.

اداره کانون‌های اصلاح و تربیت، کانون‌های کارآموزی، سازمان زندان‌ها، نیروی انتظامی، دادگستری و هزینه‌های مربوط به آن، باری بر دوش بودجه هر کشوری است. در صورتی که راه‌های پیشگیری از این معضل شناسایی و از کثرت ارتكاب جرایم توسط نوجوانان و جوانان کاسته شود، قسمت اعظم این بودجه را می‌توان صرف آموزش و پرورش و تربیت علمی و عملی آن‌ها کرد. این نوع مطالعات، از دیدگاه انسان‌دوستانه به جلوگیری از تباهی بسیاری از فرزندان هر جامعه؛ از دید مددکارانه به تبیین علل ارتكاب جرم و تمهید وسایلی برای جلوگیری از آن و از دیدگاه اقتصادی به صرف هزینه‌های مربوط به دستگیری، محاکمه، اصلاح و تهذیب بزهکارانه در جاهای دیگری که اثرات مثبت

بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال

بیشتری داشته باشد، کمک خواهد کرد. بی‌تردید هرگونه اقدام عملی در زمینه پیشگیری از این مسائل، مستلزم شناخت علمی زمینه‌ها و عوامل آن‌هاست. کاری که جز با پژوهش روش‌مند، حاصل نخواهد شد. با توجه به برخی گزارش‌ها درخصوص مسائلی مانند افزایش انحرافات اجتماعی و جرایم که از منابع مختلفی از جمله آمار دستگیری‌های پلیس و افزایش تعداد پرونده‌های قضایی دادگستری شهرستان خلخال قابل استنباط است، این شهرستان مبنای اصلی پژوهش قرار گرفت. هدف پژوهش حاضر نیز بررسی رابطه آنومی و ساختار قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال می‌باشد.

اهداف پژوهش

۱- هدف کلی (اصلی):

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه آنومی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال در سال ۹۲ است.

۲- اهداف اختصاصی (جزئی):

- تعیین رابطه بین طبقه و ارتکاب نوع جرم.

- تعیین رابطه بین پایگاه و ارتکاب نوع جرم.

بررسی پیشینه پژوهش

- پویافر (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «آنومی و کجروی در جامعه در حال گذار؛ مطالعه یک مسأله در شهر سمنان» به بررسی نقش آنومی در بروز کجروی در شهر سمنان پرداخته است. برای بررسی مسأله از نظریه‌های آنومی دورکیم، آنومی مرتون استفاده شده است. روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. جمعیت آماری پژوهشی شامل تمامی شهروندان بین ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن سمنان و نمونه آماری شامل ۴۲۰ نفر از جمعیت موردنظر بود که به بررسی نمونه‌گیری تصادفی از مناطق مختلف شهر سمنان انتخاب شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آنومی در جامعه مورد مطالعه، در سطح متوسطی قرار دارد که قابل تأمل است. به علاوه برخی شاخص‌های کجروی در این مطالعه، مسأله‌برانگیز نشان داده شده است. نتیجه مهم دیگر حاصل از مطالعه، رابطه و تأثیر مستقیم آنومی (بی‌هنجاری) بر کجروی است.

کیم و پراید مور (۲۰۰۵) در پژوهشی رابطه بین متغیرهای اجتماعی، آنومی نهادی و وقوع جرایم خشن را در روسیه زمان گذار، بررسی کرده‌اند. براساس نظریه آنومی دورکیم، در این پژوهش، رابطه بین تغییر منفی اجتماعی - اقتصادی و ارتکاب جرم به عنوان فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین براساس نظریه آنومی نهادین رابطه بین تغییرات اجتماعی - اقتصادی و ارتکاب جرم در شرایط وجود نهادهای اجتماعی و غیر انتفاعی قوی، بررسی شده است.

چهارچوب نظری پژوهش

در ارتباط با رابطه آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم، مبانی نظری را از دو رویکرد جامعه‌شناسی انحرافات: ۱- رویکرد کارکردی ساختی؛ ۲- تضاد و نابرابری‌های اجتماعی، و نظریه‌های مرتبط با این تبیین‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

تبیین‌های کارکردی - ساختی شکل‌گیری کجروی و جرم را معلول انواعی از ترتیبات اجتماعی غیر کارکردی در درون ساختارهای جامعه قلمداد می‌کنند که فرصت‌هایی کاملاً متفاوت را برای به کار گرفته شدن استمرارهای افراد در راه‌های مشروع اجتماعی پدید می‌آورد و در بسیاری از موارد نیز بسیاری را از فرصت‌هایی درخور توجه محروم می‌سازد. آن‌ها مدعی‌اند که این وضع، تفاوت‌هایی را در عمل میان آرزوها و سودهای افراد و فرصت‌ها و ابزارهایی را که برای نیل به این آرزوها در اختیار دارند، موجب می‌شود. این تفاوت‌ها، کشش‌ها و فشارهایی را بر قشربندی‌های محروم از فرصت وارد می‌آورد و آنان را به ارتکاب جرم رهنمون می‌شود. براین اساس ساختارگرایان همت خود را مصروف یافتن گونه‌های متفاوت این ترتیبات غیر کارکردی مانند نامالیقات اقتصادی و بی‌سازمانی اجتماعی می‌سازند.

دیدگاه تضاد، جرم و جنایت در جامعه را تابعی از تضاد طبقاتی، نابرابری اجتماعی، فقر و سیاست‌های مؤثر در رشد شکاف طبقاتی می‌داند. افزون براین، این دیدگاه می‌کوشد نشان دهد که چگونه موقعیت طبقاتی با گونه‌هایی خاص از جرم و کجروی پیوند خورده است. تبیین‌های کلاسیک تضاد، کجروی را به طور مطلق به عناصری مانند توزیع نامتعادل ثروت، استثمار و سرانجام بهره‌کشی سرمایه‌داران از طبقات کارگر نسبت می‌دهند و آن را عمدتاً از مناسبات اجتماعی تولید قلمداد می‌کنند. در مقابل، اندیشمندان معاصر تضاد از یک سو، کجروی را لازمه لاینفک ساختارهای موجود نظام اجتماعی قلمداد کرده‌اند و این پیوند لازم را در تمامی ابعاد این ساختارها و نه فقط در بعد اقتصادی مورد توجه قرار داده‌اند. از سوی دیگر، در الگوی تبیین خویش کوشیده‌اند تا مفهوم نظم اجتماعی را در نظریه تضاد ادغام کنند.

در بررسی نهایی، نظریه آنومی اجتماعی دورکیم، نظریه فرصت کلواردو اولین، نظریه منطقه انتقالی پارک و برجس، نظریه تضاد و نابرابری اجتماعی بنگر، نظریه مارکسیسم ساختاری کالوین و پاولی، هنجارهای اجتماعی ترک، به دلیل آزمون‌پذیری، تأکید ساختار اجتماعی در بروز جرم و کجروی، در نظر گرفتن جرم در میان همه‌ی طبقات و قشربندی اجتماعی و نه فقط طبقات و قشرهای پایین، قشربندی و فضای شهری در بروز جرم، نقش قشربندی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین در بروز جرم فرزندان، قشربندی و نقش دانش و آگاهی در وقوع جرم و ارتباط بیشتر این نظریه‌ها با موضوع و متغیرهای تحقیق، به عنوان چهارچوب نظری انتخاب شدند.

دورکیم معتقد بود در شرایط تغییرات سریع ناشی از توسعه، بی‌ثباتی، وجهی از ساختارهای آنومیک نظام اجتماعی است که نشانگر وضعی هرج و مرج‌گونه از قطعیت نداشتن و بحران‌زاست که در بخش

بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال

اعظم جامعه تأثیر می‌گذارد. در این وضع مدل‌های تفسیر فرهنگی، کارکرد خود را از کف می‌نهند و انسجام اجتماعی درون یک جامعه تضعیف می‌شود، هنجارهای رفتاری معتبر جامعه و اشخاص نامنسجم می‌شوند و کنش معطوف به هدف هرچه بیشتر برای فرد و جمع ناممکن می‌شود. نتایج چنین وضعی عبارت است از فقدان کلی جهت و قطعیت نداشتن رفتار و در مجموع تعارض‌های اجتماعی و فرهنگی تشدید می‌شود. در این وضعیت هر فرد احساس می‌کند که در موقعیت‌های مشخص، دچار تضاد فکری و دشواری تصمیم‌گیری در مورد نحوه کنش اجتماعی خود است و خطوط راهنمایی برای نیل به مقاصد خود ندارد و اغلب اوقات احساس نگرانی و بی‌جهتی می‌کند.

کلاردو اولین معتقدند که همه طبقات اجتماعی از هدف‌های اولیه و یکسان فرهنگی برخوردارند (اهدافی مانند ثروت، موفقیت و امنیت) اما در این میان این طبقه کارگر و پایین اجتماع است که از دسترسی به این غایت‌های مطلوب اجتماعی محروم می‌مانند. آنان همچنین معتقد بودند که برخی از گروه‌های متشکل از فرزندان طبقه پایین، ساختارهای مجرمانه یا جایگزین فرصت را برمی‌گزینند؛ آن هم بدین سبب که درمی‌یابند فرصت‌های در دسترس آنان از ایشان دریغ شده است. کلاردو اولین براین باورند که در جوامع سرمایه‌داری و صنعتی برای فرصت‌های شغلی موجود، متقاضیان بسیاری با توانمندی‌های لازم برای احراز آن مشاغل وجود دارد. اما انتخاب افراد برای استفاده از این فرصت‌ها بعضاً وابسته به عوامل خارج از توانمندی افراد است. عواملی چون قومیت، مذهب و قشربندی اجتماعی می‌تواند در انتصاب افراد در مشاغل گوناگون نقش داشته باشد. کسانی که خود را برای به دست آوردن فرصت‌های شغلی ناتوان می‌بینند ولی شایستگی‌های لازم را برای این مشاغل دارند، تمایل بیشتری به ارتکاب رفتار کجروانه دارند؛ بنابراین محرومیت در استفاده از فرصت‌ها، جوانان طبقه پایین را مستعد رفتار کجروانه می‌کند. فرایند مستثنی ساختن بعضی افراد برای احراز برخی از مشاغل یا فرصت‌های آموزشی سبب برانگیختن افراد به ارتکاب رفتار مجرمانه می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۷).

پارک و برجس مدعی‌اند که منطقه انتقالی شهر به دلیل تحرک بالای جمعیت، میزان بالای مهاجران و ویرانی خانه‌ها، بالاترین میزان انحراف را دارد. این مناطق دارای ویژگی‌های فقر، ازهم گسیختگی خانواده و ناپایداری محل سکونت، می‌باشند. به نظر پارک و برجس، منطقه انتقالی که میزان بالایی از جرم و بزهکاری را تجربه می‌کنند، بیشتر سکونتگاه مهاجران، قومیت‌ها و فقر است. سکونت در زاغه‌نشین‌های شهر موجب پیدایش خرده فرهنگ بزهکارانه گردیده و به شیوع جرم و بزهکاری منتهی خواهد شد (محسنی، ۱۳۸۷).

بنگر بیشتر از مارکس کوشیده است تا رابطه علی میان جرم و اوضاع اقتصادی و اجتماعی را آشکار سازد. بنگر خود را به تبیین جرم در میان طبقه کارگر و پایین محدود نساخته و بررسی خود را به اعضای طبقات مرفه و سرمایه‌دار گسترش داده است. بنگر یادآور می‌شود که اعضای طبقات فرادست از رفاه و امتیازات آن جامعه برخوردارند. اما باز هنگامی که فرصتی برای به چنگ آوردن منافع غیر قانونی به

دست آوردند و آنگاه که نتواند خوب و بد را تشخیص دهند، مرتکب کجروی می‌شوند. افراد فقیر هم که در نتیجه جز افراد فرودست هستند، باز مستعد جرم‌اند. با این تفاوت که آنان از کاستی‌های زندگی در رنج‌اند. کاستی‌هایی که این نظام اقتصادی، پیوسته بر شدت آن می‌افزاید و بدین شکل، استعداد جرم را در آنان می‌افزاید و از سوی دیگر آنان را بدین سبب که قدرت کمتری دارند، مجرم می‌شناسد. به نظر او چون ساختارهای اجتماعی پیوسته در حال تغییر است، ایده‌ها و عقاید ناظر به اینکه چه چیز اخلاقی و چه چیز نیست، نیز پیوسته تغییر می‌کند. در نتیجه میان تغییرات سریع اصول اخلاقی (که در جوامع اخلاقی نوین، پدیده‌ای عادی است) و حقوق جزای نسبتاً ایستا، اما مسلط، طبقه ی بورژوا، تنش درمی‌گیرد و این تنش، علت اصلی کجروانه قلمداد شدن گسترده‌ای متنوع و متغیر از رفتارهاست.

مبنای نظریه آستین ترک تفکیک میان هنجارهای فرهنگی و هنجارهای اجتماعی است. بدین معنی که عمل‌کنندگان بر مبنای تجربه جسمانی - اجتماعی خود با هنجارها ارتباط برقرار می‌سازند. تضاد و نسبت دادن پایگاه کجرو به یک عمل در اثر فقدان همخوانی میان هنجارهای اجتماعی و ارزیابی فرهنگ از آن‌ها پدید می‌آید. از دیدگاه ترک، صاحبان قدرت که از اقتدار برخوردارند، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را بر فرمان‌برداران تحمیل می‌کنند و کسانی که از این هنجارها آگاهی نداشته باشند، کجرو قلمداد می‌کنند. بنابراین میزان آگاهی افراد در پیروی آن‌ها از هنجارها تأثیر دارد.

کالوین و پاولی، برخی از ساختارهای کنترلی، نظیر کار، خانواده، مدرسه، گروه‌های همسالان و طبقه اجتماعی را در رابطه با انحرافات اجتماعی به ویژه بزهکاری جوانان، تحمیل می‌کنند. برای مثال در تحلیل تأثیر فرایند جامعه‌پذیری در خانواده بر بزهکاری جوانان، باید جامعه‌پذیری در خانواده را برحسب کنترل بازار تحلیل کرد. زیرا موقعیت طبقاتی والدین به وسیله بازار تعیین می‌شود. کسانی که تولید را از آن خود می‌دانند و به آن کنترل دارند، بر ساختار کار و کارگران نیز اعمال کنترل می‌کنند که به بیگانگی والدین خانواده‌های کارگری منتهی گردیده که نتیجه این بیگانگی گسترش کنترل‌های اجبارتری در درون خانواده توسط والدین است. این جوانان آمادگی بیشتری برای پیوستن به دیگر جوانان بیگانه شده و گروه همسالان بزهکار دارند بنابراین موقعیت طبقاتی والدین و ویژگی‌ها و شرایط اقتصادی حاکم بر بازار و جرایم جوانان با هم ارتباط معنی‌دار دارند.

براین اساس، متغیر احساس انومی از نظریه انومی اجتماعی دورکیم، نقش قشربندی اجتماعی در توزیع فرصت‌های حیاتی زندگی و بروز رفتار مجرمانه از نظریه فرصت کلوارد و اولین، نقش قشربندی و محل سکونت در بروز جرم از نظریه پارک و برجس، اوضاع اقتصادی و اجتماعی و نوع جرم در قشربندی پایین و مرفه اجتماع از نظریه ویلهم بنگر، ساختار قشربندی و نقش آگاهی و دانش و تحصیلات در بروز جرم از نظریه آستین ترک، نقش پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین، کار در بروز جرایم فرزندان از نظریه کالوین و پاولی استخراج می‌شود.

بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های اصلی:

۱- بین احساس آنومی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین قشربندی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱- بین طبقه و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین پایگاه و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری شامل کلیه زندانیانی است که به یکی از دلایل انحراف اجتماعی زندانی شده و در زندان شهرستان خلخال به سر می‌برند. براساس آمار اخذ شده از سازمان تعداد آن‌ها ۲۱۰ نفر می‌باشد که از این تعداد ۱۳۶ نفر به عنوان حجم نمونه براساس فرمول کوکران و از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده است.

برای سنجش روایی پرسشنامه، از اعتبار صوری استفاده شده است. برای تعیین میزان پایایی ابزار سنجش، از روش توافق داخلی ابزار اندازه‌گیری که مهم‌ترین شاخص آن آلفای کرونباخ است، استفاده گردید. برای بررسی آلفای کرونباخ پرسشنامه پژوهش و هریک از متغیرهای تحقیق، ابتدا نمونه‌ای شامل سی پرسشنامه در بین مخاطبین پرسشنامه که به صورت تصادفی انتخاب شدند، پخش (پیش آزمون)، سپس از طریق نرم‌افزار SPSS آلفای کرونباخ هریک از متغیرهای پرسشنامه و کل آن محاسبه شد. در این پژوهش، آلفای کرونباخ کلی متغیر احساس آنومی اجتماعی که در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است، به میزان ۷۹ درصد برآورد شده است.

یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه‌های پژوهش

با توجه به اینکه متغیرها در سطح اسمی و ترتیبی سنجیده شده است از آزمون خی دو استفاده شده است. این آزمون به سنجش آماری معناداری تفاوت بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار به دست آمده از یک جامعه می‌پردازد.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، بهار ۱۳۹۴

فرضیه اول: بین احساس آنومی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۱): تعیین رابطه بین احساس آنومی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم

نتایج آزمون	Total	پایین	متوسط	بالا
جرایم خشونت‌آمیز	۱۷	۳ (۱۷/۶)	۴ (۲۳/۵)	۱۰ (۵۸/۸)
جرایم مالی علیه اشخاص و مالکیت	۱۹	۲ (۱۰/۵)	۵ (۲۶/۳)	۱۲ (۶۳/۲)
جرایم علیه اموال عمومی و مالکیت	۹	۱ (۱۱/۱)	۲ (۲۲/۲)	۶ (۶۶/۷)
جرایم یقه سفیدی و سازمان یافته	۲۴	۳ (۱۲/۵)	۶ (۲۵)	۱۵ (۶۲/۵)
جرایم علیه نظم عمومی	۶۷	۷ (۱۰/۴)	۳۱ (۴۶/۳)	۲۹ (۴۳/۳)
Total	۱۳۶	۱۶ (۱۱/۸)	۴۸ (۳۵/۲)	۷۲ (۵۳)

$\chi^2 = 38/251$
sig = 0/000

جدول بالا بیانگر آن است که: مقدار χ^2 دو با درجه آزادی یک برابر ۳۸/۲۵۱ شده است. سطح معنی‌داری نیز برابر ۰/۰۰۰ شده است. بنابراین فرض صفر رد شده و فرض مخالف پذیرفته می‌شود. بر این اساس، فرضیه‌ی بین احساس آنومی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد. تأیید می‌شود. شدت این رابطه (براساس ضرایب فی) برابر ۰/۵۳۰ شده است.

فرضیه دوم: بین قشربندی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۲): تعیین رابطه بین قشربندی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم

نتایج آزمون	Total	پایین	متوسط	بالا
جرایم خشونت‌آمیز	۱۷	۱۲ (۷۰/۶)	۴ (۲۳/۵)	۱ (۵/۹)
جرایم مالی علیه اشخاص و مالکیت	۱۹	۱۲ (۶۳/۱)	۶ (۳۱/۶)	۱ (۵/۳)
جرایم علیه اموال عمومی و مالکیت	۹	۳ (۳۳/۳)	۴ (۴۴/۴)	۲ (۲۲/۲)
جرایم یقه سفیدی و سازمان یافته	۲۴	۵ (۲۰/۹)	۱۰ (۴۱/۶)	۹ (۳۷/۵)
جرایم علیه نظم عمومی	۶۷	۴۸ (۷۱/۶)	۱۵ (۲۲/۴)	۴ (۶)
Total	۱۳۶	۸۰ (۵۸/۹)	۳۹ (۲۸/۶)	۱۷ (۱۲/۵)

$\chi^2 = 27/426$
sig = 0/001

بررسی رابطه انومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال

جدول بالا بیانگر آن است که: مقدار χ^2 دو با درجه آزادی یک برابر $27/426$ شده است. سطح معنی‌داری نیز برابر $0/001$ شده است. بنابراین فرض صفر رد شده و فرض مخالف پذیرفته می‌شود. بر این اساس، فرضیه‌ی بین قشربندی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد. تأیید می‌شود. شدت این رابطه (براساس ضرایب فی) برابر $0/449$ شده است.

فرضیه سوم: بین طبقه و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۳): تعیین رابطه بین طبقه و ارتکاب نوع جرم

نتایج آزمون	Total	پایین	متوسط	بالا
جرایم خشونت‌آمیز	۱۷	۱۱ (۶۴/۷)	۴ (۲۳/۵)	۲ (۱۱/۸)
جرایم مالی علیه اشخاص و مالکیت	۱۹	۱۳ (۶۸/۴)	۳ (۱۵/۸)	۳ (۱۵/۸)
جرایم علیه اموال عمومی و مالکیت	۹	۵ (۵۵/۶)	۴ (۴۴/۴)	۰
جرایم یقه سفیدی و سازمان یافته	۲۴	۳ (۱۲/۵)	۹ (۳۷/۵)	۱۲ (۵۰)
جرایم علیه نظم عمومی	۶۷	۵۱ (۷۶)	۱۲ (۱۸)	۴ (۶)
Total	۱۳۶	۸۳ (۶۱)	۳۲ (۲۳/۶)	۲۱ (۱۵/۴)

$\chi^2 = 20/532$
 $0/008 = sig$

جدول بالا بیانگر آن است که: مقدار χ^2 دو با درجه آزادی یک برابر $20/532$ شده است. سطح معنی‌داری نیز برابر $0/008$ شده است. بنابراین فرض صفر رد شده و فرض مخالف پذیرفته می‌شود. بر این اساس، فرضیه‌ی بین طبقه و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد. تأیید می‌شود. شدت این رابطه (براساس ضرایب فی) برابر $0/389$ شده است.

فرضیه چهارم: بین پایگاه و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۴): تعیین رابطه بین پایگاه و ارتکاب نوع جرم

نتایج آزمون	Total	پایین	متوسط	بالا
جرایم خشونت‌آمیز	۱۷	۱۲ (۷۰/۶)	۳ (۱۷/۶)	۲ (۱۱/۸)
جرایم مالی علیه اشخاص و مالکیت	۱۹	۱۶ (۸۴/۲)	۳ (۱۵/۸)	۰
جرایم علیه اموال عمومی و مالکیت	۹	۵ (۵۵/۶)	۳ (۳۳/۳)	۱ (۱۱/۱)

$\chi^2 = 22/564$
 $0/006 = sig$

جرایم یقه سفیدی و سازمان یافته	۱۰ (۴۱/۷)	۱۱ (۴۵/۸)	۳ (۱۲/۵)	۲۴
جرایم علیه نظم عمومی	۳ (۴/۵)	۷ (۱۰/۴)	۵۷ (۸۵/۱)	۶۷
Total	۱۶ (۱۱/۸)	۲۷ (۱۹/۹)	۹۳ (۶۸/۳)	۱۳۶

جدول بالا بیانگر آن است که: مقدار خی دو با درجه آزادی یک برابر $۲۲/۵۶۴$ شده است. سطح معنی داری نیز برابر $۰/۰۰۶$ شده است. بنابراین فرض صفر رد شده و فرض مخالف پذیرفته می شود. بر این اساس، فرضیه‌ی بین پایگاه و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد. تأیید می شود. شدت این رابطه (براساس ضرایب فی) برابر $۰/۴۱۲$ شده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین احساس آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال بود. نتایج تجربی این پژوهش را که پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها به دست آمده می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

نتایج آزمون فرضیه اصلی اول پژوهش نشان می دهد که بین احساس آنومی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد. آزمون به عمل آمده با استفاده از آزمون خی دو ($۳۸/۲۵۱$) نشان از تأیید این فرضیه را دارد. نتایج حاکی است که کسانی که مرتکب جرم شده‌اند، احساس آنومی اجتماعی بالایی می کنند. در این بین، اولاً احساس آنومی اجتماعی در بین مرتکبین جرایم مختلف دیده می شود. ثانیاً کسانی که احساس آنومی اجتماعی بالایی را گزارش می کنند، بیشتر جرایمی از نوع جرایم علیه نظم عمومی مرتکب شده‌اند. بدین ترتیب کسانی که دچار تعارض منزلتی هستند، احساس محرومیت بیشتری می کنند، نسبت به آینده ناامید و بدبین هستند، نسبت به مسئولان و مجریان امور بی اعتمادند، نسبت به زندگی خود و سیستم اجتماعی ناخشنودند، در رفتارهایشان احساس آشفتگی و سردرگمی می کنند، احساس پایبندی مذهبی ضعیفی دارند، بیشتر مرتکب جرم می شوند.

از نظر دورکیم، در شرایط تغییرات سریع ناشی از توسعه، بی ثباتی، وجهی از ساختارهای آنومیک نظام اجتماعی است که نشانگر وضعی هرج و مرج گونه از قطعیت نداشتن و بحران زاست که در بخش اعظم جامعه تأثیر می گذارد. در این وضع مدل های تفسیر فرهنگی، کارکرد خود را از کف می نهد و انسجام اجتماعی درون یک جامعه تضعیف می شود، هنجارهای رفتاری معتبر جامعه و اشخاص نامنسجم می شوند و کنش معطوف به هدف هرچه بیشتر برای فرد و جمع ناممکن می شود. نتایج چنین وضعی عبارت است از فقدان کلی جهت و قطعیت نداشتن رفتار و در مجموع تعارض های اجتماعی و فرهنگی تشدید می شود. در این وضعیت هر فرد احساس می کند که در موقعیت های مشخص، دچار تضاد فکری و

بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال

دشواری تصمیم‌گیری در مورد نحوه‌ی کنش اجتماعی خود است و خطوط راهنمایی برای نیل به مقاصد خود ندارد و اغلب اوقات احساس نگرانی و بی‌جهتی می‌کند. در تحقیقات هاپکینز (۱۹۷۱)، مائوم و لی (۲۰۰۳)، بجرگارد و کوکران (۲۰۰۸)، بنی فاطمه و باقری رئوف (۱۳۸۷)، ثابتی (۱۳۸۸)، پویافر (۱۳۹۰) نیز احساس آنومی اجتماعی و پیوستگی نداشتن با جامعه و هنجارها موجب بروز جرم در جامعه می‌شود که تحقیق حاضر همسو با یافته‌های قبلی می‌باشد. بنابراین قابل کاربرد به جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه اصلی دوم پژوهش نشان می‌دهد که بین قشربندی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد. طبق آزمون خی دو (۲۷/۴۲۶) رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. یافته‌ها حاکی است که اولاً جرم در همه قشرهای اجتماعی دیده می‌شود و ثانیاً کسانی که به قشرهای بالای جامعه تعلق دارند، بیشتر جرایمی از نوع سازمان‌یافته و یقه سفیدی مرتکب شده‌اند و کسانی که به قشرهای پایین جامعه تعلق دارند، جرایمی از نوع خشونت‌آمیز، جرایم علیه اشخاص و مالکیت، علیه اموال عمومی و علیه نظم عمومی مرتکب شده‌اند. از نظر بنگر میان جرم و اوضاع اقتصادی و اجتماعی رابطه وجود دارد. بنگر خود را به تبیین جرم در میان طبقه کارگر و پایین محدود نساخته و بررسی خود را به اعضای طبقات مرفه و سرمایه‌دار گسترش داده است. بنگر یادآور می‌شود که اعضای طبقات فرادست از رفاه و امتیازات آن جامعه برخوردارند. اما باز هنگامی که فرصتی برای به چنگ آوردن منافع غیر قانونی به دست آوردند و آنگاه که نتواند خوب و بد را تشخیص دهند، مرتکب کجروی می‌شوند. افراد فقیر هم که در نتیجه جزو افراد فرودست هستند، باز مستعد جرم‌اند. با این تفاوت که آنان از کاستی‌های زندگی در رنج‌اند. کاستی‌هایی که این نظام اقتصادی، پیوسته بر شدت آن می‌افزاید و بدین شکل، استعداد جرم را در آنان می‌افزاید و از سوی دیگر آنان را بدین سبب که قدرت کمتری دارند، مجرم می‌شناسد. به نظر او چون ساختارهای اجتماعی پیوسته در حال تغییر است، ایده‌ها و عقاید ناظر به اینکه چه چیز اخلاقی و چه چیز نیست، نیز پیوسته تغییر می‌کند. در نتیجه میان تغییرات سریع اصول اخلاقی (که در جوامع اخلاقی نوین، پدیده‌ای عادی است) و حقوق جزای نسبتاً ایستا، اما مسلط، طبقه ی بورژوا، تنش درمی‌گیرد و این تنش، علت اصلی کجروانه قلمداد شدن گسترده‌ای متنوع و متغیر از رفتارهاست. به لحاظ تجربی نیز، یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش احمدی و غلامی آبی (۱۳۸۶)، ملکیان و شریفیان (۱۳۸۸)، توسلی و فولادیان (۱۳۸۹)، همسوست.

پیشنادهای پژوهش

پیشنادهای حاصل از پژوهش

با توجه به یافته‌های این پژوهش، بین احساس آنومی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود داشت. همچنین نتایج نشان می‌داد که کسانی که مرتکب جرم شده‌اند، احساس آنومی اجتماعی

بالایی دارند و میانگین نمرات احساس انومی اجتماعی در جمعیت مورد بررسی در حد متوسط به بالاست. بر این اساس، به عنوان پیشنهاد اجرایی باید افزود که:

۱- مقابله با مسأله افزایش جرم و کجروی در جامعه، از طریق تقویت عوامل انسجام‌بخش و کاهنده انومی در جامعه ممکن خواهد بود. این کار با استفاده از اجرای برنامه‌های مبتنی بر گسترش روحیه جمعی، نشاط اجتماعی و همبستگی اجتماعی میسر می‌شود.

۲- یافته‌ها از فرضیه دوم پژوهش نشان می‌داد که بین قشربندی اجتماعی و ارتکاب نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین؛

۳- توزیع عادلانه امکانات و خدمات موجود در جامعه و استفاده برابر تمامی اعضای جامعه از فرصت‌های مشروع می‌تواند گامی در جهت مقابله با رشد جرم و انحرافات در جامعه گردد. وجود رانت‌های عظیم اقتصادی، فرصت‌ها و راه‌های نامشروع رسیدن به ثروت و موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی بدون تحمل کمترین زحمتی و کسب ثروت‌های بادآورده می‌تواند عامل مهمی در برانگیختن افراد به ارتکاب انحرافات اجتماعی باشد.

۴- تأکید بر اهمیت کار و تلاش فردی جهت رسیدن به موقعیت‌های بالای اقتصادی و اجتماعی و مقابله با فرصت‌های نامشروع می‌تواند گامی مؤثر در راستای ایجاد جامعه‌ای پویا و متعادل باشد.

۵- در حوزه اقتصاد نیز باید فرصت‌های اشتغال را ایجاد کرد، سطح درآمد طبقات پایین جامعه را افزایش داد و تورم را کنترل کرد به طوری که تهیه حداقل امکانات زندگی برای افراد و طبقات آسیب‌پذیر جامعه ممکن باشد.

۶- با توجه به یافته‌های پژوهش و افزایش میزان جرایم در جامعه، لزوم پیشگیری از وقوع جرم، گسترش و تکرار آن در جامعه دارای اهمیت است. جرم‌شناسان تقسیمات مختلفی را برای مقوله پیشگیری مطرح ساخته‌اند که هر یک به اعتباری حاکی از نگرش ویژه به این امر مهم است؛ اما نظر متقن آن‌ها راجع به مراحل پیشگیری، شامل تقسیماتی است:

الف) پیشگیری اولیه: مبتنی بر کنترل و رفع زمینه‌های جرم‌زاست. این پیشگیری مبتنی بر این اصول است که به شناخت شرایط فردی، محیطی و اجتماعی بپردازد، عوامل خطر را در هر مورد تعیین کند و تلاش نماید تا این عوامل را برطرف سازد.

ب) پیشگیری ثانویه: ناظر بر تمهید تدابیر و ایجاد موانع و بازدارنده‌هایی است تا از وقوع جرم توسط کسانی که بالقوه در معرض آسیب‌های اجتماعی و ارتکاب جرم قرار دارند، پیشگیری شود. در این نوع پیشگیری آنچه که اهمیت دارد فعالیت در جهت تشخیص زودرس موارد انحراف، ایجاد انگیزه نسبت به سلامت اجتماعی، حساس‌سازی جامعه نسبت به مراجعه به مراکز بازپروری و درمان پس از بروز اولین نشانه‌ها و حالات نابهنجار و ارائه آگاهی نسبت به عوامل خطر و شناسایی گروه‌های خطرناک است.

بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال

ج) پیشگیری ثالث: پیشگیری از طریق وضع قوانین مناسب و بازدارنده و برقراری ضمانت اجرایی قطعی و مسلم صورت می‌پذیرد تا از وقوع دوباره جرم یا تشویق دیگران به ارتکاب بزه ممانعت به عمل آید. این نوع پیشگیری در صدد است که خسارات غیر قابل بازگشت را محدود سازد و امکان فعالیت مجدد افراد مواجه با مشکل در محیط‌های کار و به طور کلی اجتماع را پس از بهبودی نسبی و یا کامل فراهم نماید (محسنی، ۱۳۹۰: ۳۱۵-۳۱۲).

۷- جرم‌شناسان در زمینه پیشگیری از ارتکاب جرایم بزهکاران یقه سفید، معتقدند که گام نخست، اعمال نظارت همه‌جانبه دستگاه‌های دولتی و حکومتی است. دیگر آنکه با وضع قوانین قطعی و شدید، ضمانت اجرایی مؤثری پدید آید. از سوی دیگر، تشحیذ اذهان عمومی و ارتقای سطح آگاهی‌های عموم افراد جامعه از راه‌های مختلف، بی‌تردید در بالا بردن ضریب اطمینان و امنیت عمومی مؤثر خواهد بود. در موردی که جرمی از سوی بزهکاران یقه سفید ارتکاب یافته باشد، گروهی از جرم‌شناسان معتقدند به منظور پیشگیری از تکرار جرم از سوی آن‌ها، بهتر است از ضربه «تند، کوتاه و شدید» ناشی از زندان‌های کوتاه‌مدت استفاده کرد. همچنین روشن است که نمی‌توان از «بازپروری اجتماعی» این بزهکاران سخن به میان آورد؛ چه برحسب تعریف با بزهکارانی مواجهیم که بیش از اندازه اجتماعی هستند. اما جنبش سیاست جنایی از یک سو در مقابل معافیت از مجازاتی که این یقه سفیدان تاکنون از آن بهره‌مند شده‌اند، قد علم می‌کند، و از سوی دیگر خواهان استقرار آنچه‌ان واکنش اجتماعی است که به ویژه با استفاده از برخی تدابیر محدود کننده آزادی، با ایجاد یک نظام و پیشگیری یا به عبارتی، تربیت بهتر و مجدد مدنی این قبیل مجرمین، موجبات هماهنگی و انسجام هرچه بهتر آنان را با جامعه فراهم سازد (موسوی مجاب، ۱۳۸۳).

۸ - گسترش نظارت‌های اجتماعی از طریق عواملی چون آداب و رسوم، افکار عمومی، خانواده، آموزش و پرورش، نهاد دین و آموزش‌های مذهبی، قانون و قانون‌گرایی، اخلاقیات، مناسک و جشن‌های اجتماعی، تفریحات، هنرها، آرمان‌های اجتماعی، رهبران اجتماعی، دینی و سیاسی، مد.

پیشنادهایی به پژوهشگران بعدی

- ۱- بررسی و مطالعه جامع با هدف شناسایی انحرافات و آسیب‌های اجتماعی جوامع حاشیه‌نشین و ویژگی‌های منطقه‌ای آنان.
- ۲- شناسایی الگوهای مناسب برای شکل دادن به بنیاد و بدنه راهبرد بومی پیشگیری از جرم.
- ۳- با توجه به افزایش رو به گسترش جرم در فضای مجازی، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران بعدی جرم را در فضای مجازی بررسی کنند.
- ۴- انجام پژوهش‌هایی با محوریت نقش مدیریت شهری در پیشگیری از وقوع جرم نقش فضاها و شهری در وقوع جرائم و شناسایی کانون‌های جرم‌زا در مناطق شهری.

منابع و مأخذ

- ۱- احمدی، ح. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: سمت.
- ۲- پویافر، م. (۱۳۹۰)، آنومی و کجروی در جامعه در حال گذار؛ مطالعه یک مسأله در شهر سمنان. فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم، ۵۵-۸۷.
- ۳- صدیق سروستانی، ر. (۱۳۷۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آن.
- ۴- عبداللهی، م. (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی و روند تحول آن در ایران، ج یکم. تهران: نشر آگه.
- ۵- فرجیها، م؛ صدیق سروستانی، ر. (۱۳۸۸)، پیشگیری از جرم با رویکرد جامعه‌شناسی. تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- ۶- کوزر، ل. (۱۳۸۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه: م، ثلاثی. تهران: انتشارات علمی، چاپ نهم.
- ۷- محسنی، ر. (۱۳۸۷)، توصیف نظری جرایم و آسیب‌های شهری: رویکردی جامعه‌شناختی. فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال سوم، شماره سوم، ۹۹-۱۱۳.
- ۸- محسنی، م. (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: طهوری، چاپ دوم.
- ۹- مساواتی آذر، م. (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران. تهران: انتشارات فروزش، چاپ دوم.
- ۱۰- موسوی مجاب، د. (۱۳۸۳)، بزهکاران یقه سفید. فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره هشتم، شماره سوم، ۶۱-۸۳.

11- www.Sci.org.ir.

12- www.Academy.Blogfa.htm.

13- The study of relationship between social anomy and social stratification and the crime type in Khalkhal in 1392.